**بوستان بالندگی**

پدید آورنده : ، صفحه 89

|  |
| --- |
| **بوستان بالندگی(1):تربیت دینی فرزندان****مهری کلهر**اسلام دینی جامع است که برای همه ابعاد زندگی انسان اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی، برنامه ها و توصیه های کامل و ویژه دارد. از دیدگاه اسلام، انسان موجودی اجتماعی و تربیت پذیر است که رشد و تعالی وی، در متن جامعه صورت می گیرد. ازاین رو، توصیه های اخلاقی و تربیتی خاصی برای شکوفایی توانایی های انسان ارائه کرده است. ره یافت های جدید علم روان شناسی، بر بسیاری از توصیه های تربیتی و اخلاقی پیامبر صحه گذاشته است که این امر، اهمیت آموزه های تربیتی پیامبر اسلام(ص) را از نظر علم تأیید می کند. دانشمندان روان شناس، تربیت را ایجاد تغییر در فرد می دانند و کسی را که تغییرات مثبت و مطلوب داشته باشد، تربیت شده می نامند.از نظر اسلام، تربیت به معنی شناخت فطرت خداجوی انسان و هدایت او در جهت رشد ظرفیت ها و توانایی هایش برای سعادتمندی در جامعه و نزدیکی به خداست. از دیدگاه اسلام، فرزند انسان، بسان میوه درخت است، همان گونه که ثمره درخت، عصاره و ویژگی های درخت را در خود جمع کرده است، فرزندان انسان نیز ویژگی های جسمی، رفتاری و شخصیتی والدین خود را به ارث می برند. پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «هر درختی میوه ای دارد و میوه دل، فرزند است. »[1] پیامبر خدا(ص) در بیان تفاوت های شخصیتی انسان ها می فرماید: « استعدادهایی که در درون مردم نهفته است، همچون معادن طلا و نقره با یکدیگر تفاوت دارد».[2]از دیدگاه اسلام، رشد انسان پس از تولد در چند مرحله متوالی صورت می گیرد. از پیامبر در این زمینه روایت شده «فرزند تو هفت سال آقا، هفت سال مطیع و بنده و هفت سال وزیر است اگر تا 21 سالگی خوی و خصلت هایش را پسندیدی که خوب است، وگرنه او را به حال خویش رها کن؛ زیرا تو در پیشگاه خداوند معذوری».[3]پیامبر اکرم(ص) دوره نونهالی را سن آقایی کودک می داند و پدر و مادر را موظف به رفع نیازهای مادی و روانی کودک می سازد و بر ایشان تکالیفی مقرر می کند. تربیت کودک در دوره سیادت، از مواردی است که اسلام توجه و تأکید ویژه ای بدان دارد. محبت، یکی از نیازهای اساسی کودک و از مؤثرترین عوامل در تربیت روحی و روانی کودک است. از پیامبر نقل می کنند: «نگاه محبت آمیز پدر به صورت فرزند، عبادت است».[4]روش پیامبر در خانواده اش این بود که هر روز صبح دست محبت به سر فرزندان خود می کشید و حسن و حسین(ع) را می بوسید. یکی دیگر از آموزه های تربیتی پیامبر در مورد کودکان، توصیه به تربیت نیکو و احترام گزاردن به آنهاست. از پیامبر نقل شده:«هیچ پدری چیزی بهتر از تربیت نیکو و ارثی با ارزش تر از ادب، به فرزند خود نداده است».[5]پیامبر همواره بر تربیت و هدایت درست افراد تأکید می ورزید. از این رهگذر، همواره بر تربیت درست کودک در محیط خانواده، ایجاد کانون پرمحبت در خانه و مهرورزی به کودکان سفارش می کرد. از آن جا که افراط و تفریط در محبت، موجب بروز ناهنجاری های رفتاری در کودکان می شود، پیامبر برای تعادل بخشی به برخورد عاطفی با کودکان توصیه هایی دارد. در توصیه های تربیتی پیامبر خدا(ص) تشویق و تنبیه همواره در کنار هم مطرح می شود و ایشان می فرماید: «کودک را به طغیان و سرکشی وادار نکنید، به او دروغ نگویید و رفتار نابخردانه درباره او به کار نبرید و بدی هایش را عفو کنید. [6] به توصیه پیامبر: «هر کس کودکی دارد، باید با او کودکانه رفتار کند».[7] ایشان همچنین درباره آموزش قواعد اخلاقی به کودکان می فرماید: «وقتی فرزندانتان به هفت سالگی رسیدند، به آنها نماز بیاموزید و چون ده ساله شدند، آنها را بر ترک نماز تنبیه کنید و بسترهایشان را از هم جدا کنید. [8] آموزه ها و توصیه های تربیتی پیامبر و سیره عملی ایشان در برخورد جوانان، در جهت تشویق ایشان به علم آموزی، فراگیری حِرَف و فنون و روی آوردن به عبادت پروردگار و پرهیز از هواهای نفسانی است.پیامبر توصیه می کند: «با نوجوانان خود به اقتضای سن ایشان مشورت کنید و به آنها حق اظهار نظر بدهید».[9]بدیهی است آموزه های تربیتی پیامبر خدا(ص) که همه مراحل زندگی انسان، از بدو تولد تا زمان مرگ را در برمی گیرد، راهی روشن برای اصلاح یکایک افراد جامعه، جهت دست یابی به آرمان شهر اسلامی است.**منابع:**1. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شیخی، انتشارات دارالحدیث، 1377، ج 14، صص 7105، 7083، 7079.2. کتابچی، فرزند خوشبخت گلی از گل های بهشت، انتشارات هجرت، 1376، ص 10.3. بحارالانوار، ج 104، ص 95.4. الفروع من الکافی، ترجمه: طباطبایی، ج6، صص 47 تا 50.5. میزان الحکمه، ج 14، صص 7105 و 7083.بوستان بالندگی (2): راهکارهایی برای تربیت دینی فرزندان1. خوب صدا زدن کودکان، به دور از هرگونه تحقیر و توهین.2. پیش گیری از تحریکات جنسی کودکان و برخورد مناسب با این وضع.3. جدا کردن بستر خواب کودکان از یکدیگر و از والدین.4. تکریم و احترام به کودک.5. آموزش پوشش و حجاب، به ویژه به کودکان دختر.6. شرکت دادن کودکان در جلسه های دعا و مراسم دینی.7. آشناسازی فرزندان با قرآن و حدیث.8. تقویت پایه های محبت فرزندان به اهل بیت.9. استفاده از غذای پاک و حلال در سفره خانواده.10. ایجاد فضای عاطفی مناسب در خانه.11. آشنا کردن فرزندان با فرهنگ صدقه دادن و بذل و بخشش به دیگران .12. انس و الفت داشتن با خدا و عادت کردن به ذکر نام خدا در شروع همه کارها.**بوستان بالندگی (3): برخورد با جوانان در آیینه روایت****رعایت برابری و پرهیز از تبعیض**پیامبر خدا(ص) فرمود: «بین فرزندان به عدالت رفتار کنید، چنان که دوست دارید در نیکی و محبت به شما، به مساوات رفتار کنند».[10]باز از پیامبر خدا(ص) نقل است:در هدیه دادن به فرزندانتان، بین آنها به مساوات رفتار کنید. اگر بنا بود ـ ]من[ ـ کسی را برتری بدهم، دختران را برتری می دادم و به آنها هدیه بیشتری می دادم.[11]همچنین در روایت دیگری از آن بزرگوار آمده است:کسانی که می خواهند فرزندان خود را از عاق والدین نجات دهند، با احسان به آنها، سخت نگرفتن و رعایت مساوات در دادن هدیه، آنان را در کارهای نیک یاری کنند.[12]**نرمی و ملاطفت**خداوند در آیه 159 سوره آل عمران می فرماید:فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ کُنْتَ فَظاً غَلیظَ الْقَلْبِ لاَنْفَضّوا مِنْ حَوْلِکَ.به ]برکت[ رحمت الهی با آنها نرم خو و ]پر مهر[ شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی، به یقین از پیرامون تو پراکنده می شدند.از پیامبر خدا(ص) نیز نقل است:رحمت خدا بر پدر و مادری باد که فرزند خود را بر انجام دادن نیکی ها یاری کنند! راوی می گوید: پرسیدم چگونه او را بر نیکی یاری کنند؟ فرمود: آنچه را انجام داده؛ از او بپذیرند و از آنچه انجام نداده، درگذرند و از او تکلیف بیش از توان نخواهند و بر او سخت نگیرند.[13]**راستی و صداقت**پیامبر اکرم(ص) فرمود: «فرزندان را دوست بدارید و بر آنها ترحم کنید. هرگاه به آنها وعده ای دادید، به وعده خود وفا کنید؛ زیرا فرزندان، شما را تنها روزی دهنده خود می دانند».[14]حضرت علی(ع) می فرماید:دروغگویی، شایسته انسان نیست؛ نه به شوخی و نه به جدی. همچنین شایسته نیست کسی به دخترش وعده ای بدهد و به آن وفا نکند؛ زیرا دروغ، به فجور می انجامد و فجور، به آتش.[15]**پرهیز از عیب جویی و سرزنش**امام علی(ع) فرمود: «بپرهیز از تکرار سرزنش که موجب حرص بر گناه و بی تأثیر شدن سرزنش می شود».[16]نیز در روایتی دیگر می فرماید: «افراط در سرزنش، آتش لجاجت (سرزنش شونده) را برمی افروزد. ]و او برکار اشتباه خود اصرار می ورزد[».[17]**بوستان بالندگی (4): برخورد با جوان در خانواده** **مهری کلهر** پیامبر اسلام(ص) هفت سال سوم زندگی را دوره وزارت و رایزنی دانسته و به برخورد نیکو با جوانان سفارش های فراوانی کرده است. پیامبر با توجه به حساسیت دوره نوجوانی و جوانی، این دوره را شاخه ای از دیوانگی می داند و می فرماید: «الشباب شعبة من الجنون.» امام علی(ع) این دوره را به (سکر الشباب) تعبیر کرده است. آموزه ها و توصیه های تربیتی پیامبر و سیره عملی ایشان در رفتار با جوانان، در جهت تشویق ایشان به علم آموزی، فراگیری حرف و فنون و روی آوردن به عبادت پروردگار و پرهیز از رذیلت ها و هواهای نفسانی است. پیامبر با توجه به قدرت درک عمیق جوانان و حافظه قوی آنها توصیه می کند در جوانی به دنبال کسب علم باشید.دوره جوانی، دوره بروز هواهای نفسانی است. ازاین رو، پیامبر همواره جوانان را به عبادت و خودسازی رهنمون می ساخت. ایشان می فرماید: «پروردگار از جوانی که از هوسرانی و جهل جوانی دور است، خوشش می آید. همچنین می فرماید: «هیچ چیز نزد خدای متعال، محبوب تر از جوان توبه گر نیست و هیچ چیز نزد خدا، منفورتر از پیر پایدار به گناهش نیست.» پیامبر جوانان را تشویق می کند عمر خود را صرف عبادت کنند و می فرماید: «خدای تعالی به وجود جوان عبادت پیشه بر فرشتگان می نازد». پیامبر این دوره را دوره رشد فکری و عقلی نوجوانان می داند و بر مشورت با ایشان تأکید و سفارش می کند: «با نوجوانان خود به اقتضای سن ایشان مشورت کنید و به آنها حق اظهارنظر بدهید.» سیره عملی پیامبر در برخورد با جوانان، بر اساس هم اندیشی با ایشان استوار بود و این جوانان نیز در آغاز رسالتش به گرد او جمع شدند و یاری اش کردند. پیامبر نیز همواره از شور، تدبیر و قدرت جوانی آنان در امر تبلیغ اسلام و اداره جامعه اسلامی بهره می برد، چنان که در جریان جنگ احد، پیامبر نظر جوانان را که خواهان خروج از مدینه و جنگ با دشمن در خارج از شهر بودند، بر نظر شیوخ و بزرگان چون عبدالله بن اُبَی ترجیح داد و رأی جوانان را پذیرفت. این اقدام پیامبر اگرچه شکست مسلمانان را در پی داشت، اما زمینه بلوغ فکری و رشد عقلی جامعه را فراهم آورد.**منابع:** 1. میزان الحکمه، ج 6 ، صص 2649 و 2653.2. احمد احمدی، روان شناس جوانان و نوجوانان، بی جا، انتشارات ترمه، 1371.3. محمد پارسا، روان شناس رشد کودک و نوجوان، تهران، انتشارات بعثت، 1370.**بوستان بالندگی (5): برخورد با جوان در سیره معصومان(ع)****طیبه چراغی** **درک روحیات جوان**امام علی(ع) وقتی از بازار پارچه فروشان دو لباس خرید، آن را که گران تر و زیباتر بود، به غلام خود داد و فرمود: تو جوان هستی و دارای شور و نشاط جوانی و من از خدا حیا می کنم که (رعایت جوانی تو را نکرده)، بر تو برتری جویم.[18]امام بدون اینکه غلام جوانش از او تقاضا کند، متوجه او بود. این گونه برخورد کردن، در شکل گیری درست ساختار روحی جوان و ایجاد محبت در او مؤثر است. از دیگر سو، رفتار کریمانه بزرگ ترها، عامل خوش اخلاقی جوانان و روی آوردن آنها به نیکی ها و فضیلت هاست.**نیکی کردن به جوان**پیامبر اکرم(ص) فرمود: «رحمت الهی شامل حال بنده ای باشد که فرزندش را با نیکی و احسان به او، همخو شدن با او و آموزش علم و ادب، بر انجام خوبی ها یاری کند».[19]از بین گروه های مختلف جامعه، جوانان بیش از گروه های دیگر به نیکی نیاز دارند. بنابراین، باید رفتاری شایسته با جوانان داشت و در نظر گرفت که روحیه حساس و پاکی دل آنها، یکی از زمینه های مهم نیاز این گروه به خوبی و احسان است. رفتار شایسته و همراه با درک و احترام پدران و مادران، مهم ترین نیکی در حق جوانان است.بر اثر نیکی و احسان به جوان، روحیه ای در او پدیدار می شود که خیر و اصلاح جامعه را بر خواسته های خود مقدم می دارد.**برخورد با جوان خطاکار**از حضرت علی(ع) نقل است: «هرگاه جوانی را مؤاخذه کردی، مقداری از گناهان او را نادیده بگیر تا بازجویی تو، او را به سرکشی و لج بازی وادار نکند».[20]دوران جوانی، دوران بحران غریزه هاست و بسیاری از جوانان بر اثر کم دانی دچار خطا و اشتباه می شوند. برخورد غیراصولی با جوان، گاهی چنان اثر بدی بر او می گذارد که او را از میدان تربیت دور می کند و در نهایت، او به یک جوان ناسپاس و متمرد تبدیل می شود.برخی از والدین نیز فرزند خود را به شدت سرزنش می کنند، در حالی که سرکوفت بیش از اندازه، برخلاف اصول تربیتی است و لجاجت فرد را در پی دارد. امام علی(ع) می فرماید: «زیاده روی در ملامت، آتش لجاجت را برمی انگیزد».[21]**توجه به جوان در امور خانواده**رسول خدا(ص) فرمود: «فرزند تا هفت سال سرور، تا هفت سال دیگر فرمان بردار و هفت سال بعد را وزیر و معاون است».[22]در آموزه های دین اسلام، جوان به عنوان وزیر و معاون در خانواده معرفی شده است. بدین ترتیب؛ باید در امور خانواده، با مشورت با جوان به او ارزش داد و مسئولیت پذیری در زندگی آینده را به وی آموخت.ارزش دادن به جوان، منشأ بسیاری از ارزش ها و فضیلت هاست. در واقع هر کس از ارزش واقعی خود آگاه شود، از گناه منصرف می شود. «کسی که کرامت نفس داشته باشد و به بزرگی خود پی ببرد، خود را با گناه بی ارزش نمی کند».[23]**پی نوشت:**[1]. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شیخی، صص 7105 و 7083، انتشارات دارالحدیث، ص 7079.[2]. کتابچی، فرزند خوشبخت گلی از گل های بهشت، انتشارات هجرت، 1376، ص 10.[3] بحارالانوار، ج 104، ص 95.[4] الفروع الکافی، ج 6، ص 49، ترجمه: طباطبایی.[5] میزان الحکمة، ج 14، صص 7105 و 7083.[6] الفروع من الکافی، ج 6، صص 47 و 50.[7] میزان الحکمة، ج 14، صص 7105 و 7083.[8] الفروع من الکافی، ج 6، صص 47 و 50.[9] میزان الحکمة، ج 14، صص 7105 و 7083.[10]. ملامحسن فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ج 2، ص 46.[11]. متقی هندی، کنزالعمال، ج 16، ص 446.[12]. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الاوسط، ج 4، ص 237.[13] . اصول کافی، ج 6، ص 50.[14] . همان.[15] . بحارالانوار، ج 72، ص 259.[16] . غررالحکم و دررالکلم، ج 1، ص 278، ح 42.[17] . تحف العقول، ص 80.[18]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، 1379، ج 2، ص 97.[19]. محمد نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل البیت، 1408 هـ . ق، ج2، ص 626.[20] . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی، 1404 هـ .ق، ج 20، کلمه قصار 819 .[21] . غررالحکم و دررالکلم، ج 2، ص 223.[22] . شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، 1412 هـ . ق، ص 222.[23] . غررالحکم و دررالکلم، ج 2، ص 677. |